خبر

معرفی اعضای شورای علمی و داوران جایزه پژوهش سال سینما

اعضای شورای علمی و هیات داوری پنجمین جایزه پژوهش سال سینمای ایران با حکم امیررضا مافی، معرفی شدند.

دبیر علمی این دوره از جایزه با تأیید شورای سیاستگذاری در حکمی مینو خانی، محسن بهلولی‌فسخودی، وحیدا... موسوی، رامتین شهبازی، عبدا... بیچرانلو، مسعود سفلایی و مجید سلیمانی‌ساسانی را به عضویت در شورای علمی و هیات داوری پنجمین جایزه پژوهش سال سینمای ایران منصوب کرد.

دکتر مینو خانی متولد ۱۳۴۷ دکتری هنر از دانشگاه اینالکوی پاریس و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد؛ دکتر محسن بهلولی‌فسخودی متولد ۱۳۵۰، دکترای فلسفه تعلیم و تربیت از دانشگاه خوارزمی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ دکتر وحیدا... موسوی متولد ۱۳۵۷ دکترای پژوهش هنر با گرایش سینما از دانشگاه شاهد و عضو هیأت علمی دانشکده هنرهای دیجیتال دانشگاه صداوسیما؛ دکتر رامتین شهبازی متولد ۱۳۵۷، دکترای فلسفه هنر از دانشگاه آزاد و معاون دانشکده هنر و مدیرگروه سینمای دانشگاه سوره؛ دکتر عبدا... بیچرانلو متولد ۱۳۵۹، دکترای مدیریت رسانه از دانشگاه تهران و عضو هیأت علمی گروه ارتباطات دانشگاه تهران؛ مسعود سفلایی متولد ۱۳۶۰، کارشناس‌ارشد سینما از دانشگاه هنر و عضو هیأت‌علمی و مدیرگروه سینمای دانشگاه هنر؛ دکتر مجید سلیمانی‌ساسانی متولد ۱۳۶۲، دکترای ارتباطات از دانشگاه علامه‌طباطبایی و عضو هیأت‌علمی گروه ارتباطات دانشگاه تهران هستند.

درنگ

خطر فقدان نگاه استراتژیک به سینما

جای سینمای ایران در بزنگاه‌های پس از انقلاب نیز تقریبا خالی است. با نگاهی موشکافانه به فیلم‌هایی که در دو سه سال نخستین پیروزی انقلاب، درباره این مقطع مهم تاریخ ایران ساخته شدند، متوجه می‌شویم بیشتر آنها از مبارزان و انقلابیون بی‌هویتی سخن می‌گویند که نشانی از نهضت امام (که بیش از ۱۵سال همه مبارزات ملت ایران را برای سرنگونی شاه هدایت کرد) ندارند. گروهی بی‌هویت و ناشناس که در مقابل ساواکی‌های کلیشه‌ای و تیپیکال قرار گرفته و معلوم نیست برای چه مبارزه می‌کنند، از فیلم خط قرمز (مسعود کیمیایی) گرفته تا از فریاد تا ترور(منصور تهرانی) تا هیولای درون(خسرو سینایی) تا شیلات(رضا میرلوحی) و ترن(امیرقویدل) و تا....

تاریخ بعد از انقلاب مشحون از درگیری‌های متعدد با انواع و اقسام توطئه‌ها، کودتاها، تجاوزات نظامی، ترورها، تجزیه‌طلبی‌ها، گروهک‌های تروریستی و... بود؛ اما سینمای ایران تا سال‌ها و به‌جز موارد بسیار انگشت‌شمار به خیل این موضوعات و بزنگاه‌هایی که هزینه‌های جانی و مالی بسیاری برای این ملت داشت، نپرداخت.

ماجراهای یکی از مهیب‌ترین گروهک‌های تروریستی تاریخ این کشور یعنی مجاهدین خلق، به‌جز یکی دو فیلم در دهه ۶۰(توهم و دست نوشته‌ها) تا ۳۵ سال بعد و فیلم «ماجرای نیمروز» دستمایه هیچ فیلمی قرار نگرفت.

قضیه تجزیه‌طلبی گروهک‌ها طی ۳۶ سال تا فیلم «چ» در سال ۱۳۹۳، آن هم تنها در یک مورد محاصره پاوه و فجایع آن واقعه، در کادر دوربین سینمای ایران قرار نگرفت.

واقعا زندگی شهدا و فرهیختگانی که این کشور و سرزمین را از خطرناک‌ترین پیچ‌های تاریخی‌اش عبور دادند، امثال استاد مطهری و دکتربهشتی و دکترباهنر و شهیدرجایی و... و شخص امام‌خمینی در کدام اثر از فیلم‌های این سینما بر پرده رفت؟ سیره و صورت آنها که هشت سال در سخت‌ترین عرصه‌های دفاع‌مقدس از وجب به وجب این خاک دفاع کردند و پس از آن نیز در میادین دشوار و متفاوت دیگر، این سرزمین را از بحران‌های ویران‌کننده گذراندند، بر چند فیلم از آثار این سینما نقش بست؟

از حماسه‌های مثال‌زدنی این ملت، از تحمل ۴۰سال حصر اقتصادی، از پیشرفت‌های شگفت‌انگیز علمی و تکنولوژیک که حتی کارشناسان صهیونیست به خاطرشان، کلاه از سر برداشتند، از قهرمانی‌ها و پهلوانی‌های زنان و مردان ورزشکار که در تمام تاریخ این سرزمین بی‌سابقه بود، از راهپیمایی عظیم اربعین که به اعتراف رسانه‌های غربی، رکوردهای بسیاری در گینس را جابه‌جا کرد و هزاران سوژه و موضوع دراماتیک و جذاب در خود دارد، چند پلان در آثار تولیدی این سینما به چشم می‌خورد؟ از فتنه‌ها و غائله‌هایی که رسانه‌ها و شخصیت‌های غربی هم مقاومت مردم ایران در برابرشان را ستودند؛ از فتنه ۸۸ تا امروز، از ماجراهای جاسوسی و ضدجاسوسی که به اعتراف برخی کارشناسان معتبر غربی، سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی اروپا و آمریکا را انگشت به دهان کرد. از داعش به عنوان یکی از دهشتناک‌ترین پدیده‌های قرن که بیشترین تمرکزش بر نفوذ و رسوخ به این خاک بود و فرزندان رشید این ملت همچون سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی، با آن چنان کردند که همه آرزوهای دور و دراز ضدبشری خود را به گور برد، به جز دو سه فیلم از جمله «به وقت شام» و اپیزودی از فیلم «هیهات»، چه اثر دیگری در سینمای ایران تولید شد، در حالی که حتی هندوستان و سلمان‌خان هم فیلم نبرد باداعش تولید کردند.

نگاهی به دورافتادگی فیلمسازان از آگاهی‌بخشی عمومی

غیبت سینمای ایران در بزنگاه‌های تاریخی

سعید مستغاثی
مستندساز و کارشناس سینما
سیاست

می‌توان گفت پدیده سینما در ایران برخلاف سایر ممالک به‌عنوان یک هنر مردمی در کوچه و بازار و محافل عمومی شکل نگرفت، بلکه توسط دستگاه حکومتی مظفرالدین شاه و عوامل این دستگاه به این سرزمین وارد شد. به همین دلیل از همان ابتدا، ماجراها و محتوای آن بیشتر با منش و تفکر همان طبقه خاص واردکننده مرتبط بود و کمتر ارتباطی با زندگی مردم و قاطبه ملت پیدا می‌کرد.

لورا مالوی، نظریه‌پرداز مشهور سینما، ماجرای ورود سینما به ایران را قابل تامل دانسته و می‌گوید: « به‌جز ژاپن، ایران تنها کشوری است که سینما توسط دستگاه سلطنت وارد آن می‌شود و گسترش می‌یابد، برخلاف کشورهای صنعتی غرب، سینما در ایران به‌عنوان یک هنر مردمی و عامه‌پسند در کافه‌های زیر زمینی و چادرها شکل نگرفت...»

شاید از همین رو بود که در نخستین حرکت مردمی پس از ورود آن به کشور یعنی جنبش مشروطه، نه‌تنها در کنار آن نبود بلکه در مقابلش قرار گرفت. یک مهاجر روس با نام روسی خان از نخستین بانیان سالن‌های سینما در ایران خود از عوامل استبداد محمدعلی شاهی، علیه مشروطه‌خواهان بود و حتی هنگام به توپ بستن مجلس توسط لیاخوف روسی و آغاز استبداد صغیر برای سرکوب آزادیخواهان در کنار کلنل هموطنش قرار گرفت و روی خون و اجساد مشروطه‌خواهان، سالن سینمایش را برپا کرد. از همین رو بود که با پیروزی مشروطیت و فرار محمدعلی‌شاه، انقلابیون و سایر مردم، عکاسخانه و سالن سینمایش را به آتش کشیدند.

روزگار رضاخانی

در روزهایی که رژیم رضاخانی به‌اصطلاح تسمه از گرده مردم می‌کشید و خون ملت را در شیشه کرده بود، سینمای ایران با اولین فیلم ناطق خود یعنی «دختر لر» یا «ایران دیروز و ایران امروز» در کنار رضاخان و رو در روی ملت قرار گرفت و رضاخان را بسان خورشیدی نمایش داد که آینده این سرزمین را روشن می‌نماید.

در روزگار اشغال ایران

وقتی در سوم شهریور ۱۳۲۰، ارتش متفقین به خاک ایران هجوم آورده و آن را اشغال کرد، چهار سال بود که سینمای ایران در خاموشی فرورفته بود و فعالیتی نداشت. متفقین همچون خاک ایران، سالن‌های سینما را نیز اشغال کردند و فیلم‌ها و محصولات خود را به نمایش درآوردند.

گرچه از سال ۱۳۱۶، سالن‌های سینمای ایران در تیول تولیدات فرنگی قرار گرفته بود اما با اشغال ایران توسط متفقین، آمار نمایش فیلم‌های خارجی در سینماهای ایران بسیار افزون گشت و طی دوران اشغال، سالانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ فیلم خارجی در سینمای ایران نمایش داده شد که بیشتر آمریکایی، بعد اروپایی و بالاخره روسی بودند. یعنی تقریبا هر روز یک فیلم خارجی برپرده سینماها می‌رفت.

از سال ۱۳۲۱، سفارت و شورای فرهنگ بریتانیا در تهران به نمایش فیلم در سینماها اقدام کردند. کپی اخبار «بریتیش مووی تون» توسط گلچین و ابوالقاسم طاهری در انگلستان به فارسی دوبله شده و در سینماهای ایران به نمایش درمی‌آمد. موسسه بریتیش مووی تون، با علامت اختصاری بی ام تی(BMT) تعدادی ریوهای ارتشی را تجهیز کرد تا این فیلم‌ها را به دیگر شهرهای ایران برده و در قالب سینماهای سیار برای مردم نمایش دهند. روستاها نیز از قلم نیفتادند و تعدادی واحد سیار نمایش فیلم نیز توسط سفارت به روستاها اعزام شدند تا اندیشه ایرانیان روستایی را نیز در تسخیر خود درآورند.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

عباس شباویز (یکی از تهیه‌کنندگان سینمای قبل از انقلاب و از اصلی‌ترین عوامل تولید سینمای به‌اصطلاح موج نو) درباره سینمای ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مصاحبه‌ای با نگارنده گفت: «کودتای ۲۸ مرداد در این مرحله خیلی موثر بود، سینمای ملی ما زیر سلطه قرار گرفت، چراکه مملکت ما از نظر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زیر سلطه غرب قرار گرفت. طبیعی بود که سینما هم به‌عنوان عضوی از خانواده فرهنگ نمی‌توانست بی‌نصیب باشد. توجه داشته باشید که در هرم سینما چه برای ورود فیلم خارجی و چه تولید فیلم داخلی، چه کسانی تکیه زده بودند: برادران رشیدیان که جاسوسان انگلیس و نوکران امپریالیسم انگلیس و واردکننده تمام محصولات کمپانی آرتورانگ لندن بودند و از آن طریق رخنه در وادی‌های دیگر. آنها فیلم‌های خارجی را وارد کرده، دوبله می‌کردند و در سالن‌های سینما به نمایش می‌گذاردند. رشیدیان‌ها به اتفاق دکتر بوشهری‌پور (شوهر سوم اشرف‌پهلوی)، قره‌گوزلو و مهرداد پهلبد (که همگی وابستگان به دربار بودند) این چهار نفر در نوک هرم واردات فیلم‌های خارجی و تولید فیلم‌های داخلی نشسته بودند.»

بعد از کودتای ۲۸ مرداد، علی‌رغم برقراری خفقان و استبداد و فشار شدید بر مردم اما سینمای فیلمفارسی که از چند سال قبل و توسط همان عوامل وابسته همچون برادران رشیدیان و اسماعیل کوشان (از گروه بهرام شاهرخ، عنصر مرموز MI۶) پاگرفته بود، با فضای مبتذل‌تر و رقص و آواز و دلقک‌بازی‌های سخیف، اوج پیداکرد.

خیل این‌گونه آثار درحالی‌که حکومت کودتا امکان نفس‌کشیدن به هنر مستقل نمی‌داد و هنرمندان غیروابسته یا در گوشه زندان‌ها بودند یا در عزلت، پرده‌های سینماها را تسخیر کرد و سعی داشت که مردم را از واقعیات جامعه دور سازد.

ازجمله این مبتذلیات به قول عباس شباویز، پناه بردن به مهوسیسم بود. او می‌گوید: «... مهوسیسم یک دهه (پس از کودتا) بر سینمای ایران حکومت کرد، یک دهه گنج قارونیسم حکومت کرد و یک دهه هم قیصریسم. در این سه دهه به‌خصوص بعد از کودتای ۲۸ مرداد که همه چیز زیر سلطه دقیق، فشار و هدایت ساواک بود، فیلمسازان، پیشکسوتان و پیشگامان سینمای ما اگرچه حرکت‌هایی را به‌طور مقطعی انجام دادند اما ناگزیر بودند در مسیری که در آن هرم یادشده برای‌شان ترسیم شده بود حرکت کنند....»

سال‌های پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

در سال‌های پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و زندان و سپس تبعید امام خمینی، سینمای ایران رو به قارونیسم آورد که فیلم‌هایی همچون «گنج قارون» و «آقای قرن‌بیستم» و «قهرمان قهرمانان» ازجمله آثار شاخص این دوره بودند. قصد سازندگان فیلم‌های دوره فوق این بود که مردم را به شرایط موجود راضی گردانده و آنها را از قیام و انقلاب و امام دور نگه‌دارند.

عباس شباویز که خود در فیلم گنج قارون بازی کرده درباره فیلم یادشده گفت: «... در دهه دوم (۱۳۴۰) «گنج قارونیسم» حکومت کرد که من هم در این فیلم بازی کردم اما سینمایی بود که از نظر محتوا غلط بود و مردم را به نشستن و یک لقمه نان و پیاز و آبگوشت خوردن تشویق و ترغیب می‌کرد و هر نوع حرکت را به فراموشی می‌سپرد و در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی هم همین تفکر از طرق دیگر تبلیغ و ترویج می‌شد....»

سال‌های رویش انقلاب و نهضت امام

سال ۱۳۴۸، نقطه‌عطفی در نهضت امام‌خمینی محسوب شد. در این سال امام با مطرح کردن حکومت اسلامی، به نوعی آینده نهضت را مشخص کرده و همه نیروهای انقلابی و مردم را به سوی آن فراخواندند اما در مقابل طرح این استراتژی، سینمای ایران رو به موج نو و به‌اصطلاح قیصریسم آورد.

سینمای موج‌نو، سینمایی بود که از دفتر فرح و شرکت سینمای متعلق به اشرف (فیتیسی) و وزارت فرهنگ و هنر مهرداد پهلبد (شوهر دوم شمس‌پهلوی) و «تل‌فیلم» قطبی (پسردایی فرح) و کانون پرورش فکری لیلی امیر ارجمند (یار غار فرح) سربرآورد و مانند دیگر پروژه‌های دفتر فرح، قرار بود هرگونه انتقاد و اعتراض و انقلاب را در کانال کنترل‌شده شبه‌روشنفکری قرار دهد. از همین روی تحت عنوان سینمای معترض تعدادی فیلم‌های شبه‌روشنفکری تولید شدند که از یک سوی بیش از فیلمفارسی‌ها، هویت و ارزش‌های ملی و دینی را تخطئه کرده و از سوی دیگر، نهضت و انقلاب مردم را سانسور می‌کردند.

فیلم‌هایی همچون «چریکه تارا»، «گوزن‌ها» و «سفر سنگ» و... در همین دایره قرار می‌گرفتند. فیلم‌هایی که همان تئوری غیرمردمی، شبه‌روشنفکری و ضد نهضت امام یعنی چریک تنهای پیشتاز را به تصویر می‌کشیدند و طرفه آن‌که سرمایه این آثار یا از وزارت فرهنگ پهلبد تامین شد یا از طریق مهدی میثاقیه بهایی.

نکته قابل تامل این‌که فیلم چریکه تارا در اوج نهضت مردم مسلمان در سال ۱۳۵۷ تولید شد و براساس اسناد ساواک، بهرام بیضایی طی نامه‌ای به فرح، از وی درخواست می‌کند که برای ساخت فیلم، وسایل و ابزارآلات نظامی در اختیارش بگذارند و فرح هم نامه را به ارتشبد ازهاری (رئیس ستاد بزرگ ارتشداران) فرستاده و به او دستور می‌دهد وسایل مورد نیاز فیلم بیضایی را تامین کند. این درحالی بود که در همان زمان ازهاری به‌عنوان رئیس ستاد ارتش و بعدا دولت نظامی، مشغول سرکوب مردم و نهضت امام بود.

تلنگر

سینمای پس از انقلاب

ضمن ادای احترام به همه سینماگران و فیلمسازان و دست‌اندرکاران متعهد و انقلابی این سینما که در سخت‌ترین شرایط سعی کردند دین خود را به این مردم و سرزمین و انقلاب ادا کنند ولی یک سؤال همچنان باقی است که به جز جرقه‌ها و تک ستاره‌ها، کدام جریان سینمای ایران در بزنگاه‌های تاریخی این ۱۰۰سال، در کنار مردم ایران بوده است؟

زادروز

یادی از آن همه طنازی

علی سلیمانی، بازیگر باسابقه تئاتر، سینما و تلویزیون خیلی زود رخت از دنیای فانی بربست. اگر دنیای گلچین، دست ما را از طنازی علی سلیمانی کوتاه نمی‌کرد امروز باید تولد ۵۱ سالگی او را جشن می‌گرفتیم.

علی سلیمانی متولد۱۰ آبان ۱۳۵۰ در تهران بود که از دهه ۷۰ کار خود را در تئاتر با بازیگری آغاز کرد و سپس طراحی و کارگردانی را نیز تجربه کرد. او در دهه ۸۰ به تلویزیون رفت و از بازی در مجموعه‌های تلویزیونی تا اجرای برنامه را نیز در کارنامه هنری خود ثبت کرد. سلیمانی حضور در سینما را نیز برای نخستین بار با فیلم سینمایی « سفر بخیر» داریوش مؤدبیان تجربه کرد. علی سلیمانی ۲۱ مرداد ۱۴۰۰ به‌دلیل عوارض ناشی از کرونا دچار ایست قلبی شد و درگذشت.

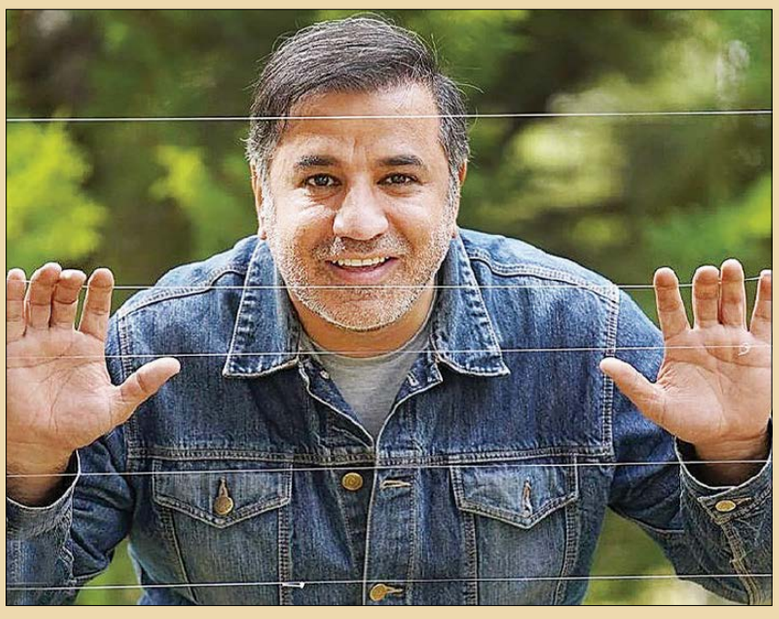

رویداد

تمدید ششمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان

المپیاد فیلمسازی نوجوانان ایران
Youth Film Making Olympiad of Iran

به‌دنبال استقبال نوجوانان از فراخوان ششمین المپیاد فیلمسازی و با توجه به فراهم آوردن شرایط ارسال آثار از طریق فضای مجازی و درخواست‌های فراوان مبنی بر تمدید فرصت شرکت در این رویداد، زمان برگزاری المپیاد به ۳۰ دی تا ۴ بهمن ۱۴۰۱ تغییر پیداکرد.

همچنین با توجه به تغییر زمان برگزاری المپیاد، مهلت دریافت آثار در دو بخش فیلم و ایده تا پایان آذر تمدید شد و علاقه‌مندان می‌توانند برای شرکت در این المپیاد به نشانی https://portal.icff.ir مراجعه و فرم ثبت‌نام را تکمیل کنند.

گاهشمار ششمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان به این شرح است:

شروع ثبت‌نام و ارسال آثار: ۱۰ مهر ۱۴۰۱

پایان مهلت ثبت‌نام و ارسال آثار: چهارشنبه ۳۰ آذر ۱۴۰۱

تاریخ اعلام راه‌یافتگان: شنبه ۱۷ دی ۱۴۰۱

تاریخ برگزاری: جمعه ۳۰ دی تا سه‌شنبه ۴ بهمن ۱۴۰۱

ششمین المپیاد فیلمسازی نوجوانان کشور از جمعه ۳۰ دی تا سه‌شنبه ۴ بهمن ۱۴۰۱ برگزار خواهد شد.

نگاه

یکشنبه‌های نیم‌بها در ۲ سینمای تهران

سینماهای راگا و تماشا علاوه بر سه‌شنبه‌ها در روزهای یکشنبه نیز بلیت خود را نیم‌بها ارائه می‌دهند.

مجید اکبرشاهی، مدیرعامل موسسه تصویر شهر با اعلام این خبر گفت: پس از تجربه موفق اجرای طرح تابستانه در سینماهای ملت، تماشا، راگا و رازی، تصمیم گرفتیم تمهیداتی برای رفاه بیشتر شهروندان در سینماهای زیرمجموعه در نیمه دوم سال با توجه به رکود بازار فرهنگ و هنر درنظر بگیریم. خوشبختانه با موافقت شورای صنفی نمایش، مقرر شد از نیمه آبان بلیت سینماهای راگا و تماشا علاوه بر روزهای سه‌شنبه، روزهای یکشنبه نیز برای مخاطبان نیم‌بها عرضه شود و در بقیه ایام هفته نوبت‌های اول هم نیم‌بها خواهد بود.

وی افزود: در پردیس سینمایی ملت بلیت فیلم‌های منتخب در قالب طرح شناور اجرا می‌شود. در این طرح سه روز ابتدای هفته تا ساعت ۱۷ نیم‌بها و از ساعت ۱۷ به بعد برای تمامی فیلم‌ها بهای بلیت از ۴۵ هزار به ۳۵ هزار تومان کاهش می‌یابد.